

تبارک الذی انزل الآیات و جعلها آیه من عنده ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۲۲۹

جناب ابن ابهر علیه بهاء الله

بسمی المنادی بین الأرض والسماء

تبارک الذی انزل الآیات و جعلها آیه من عنده و حجة من لدنه و برهاناً من جانبه انه هو المقتدر علی ما یشاء یعطى و یمنع و هو الفرد الواحد العزیز المختار تبارک الذی اظهر ما کان مکنوناً فی العلم و بعث من نطق بالحق امام وجوه العباد هو الذی انطق عبده فی السجن بذکره و ثنائه بحیث ما خوفه ظلم ظالم و لا نعاق کل ناعق انکر حق الله فی المبداء و المآب

یا ابن ابهر قد حضر لدی المظلوم ما ارسلته الی من قام علی خدمة امر الله ربّ الأرباب طوبی لنفس حملت البلیا فی سبیل الله مالک یوم التناد طوبی للسانک بما نطق بالحق و لوجهک بما توجه الی الله منزل الآیات هذا یوم فیه ظهر کلّ مستور و برز کلّ مکنون و نطق کلّ صامت رغماً للذین کفروا بالله و انکروا حجتہ الّتی احاطت من فی الأرضین و السموات

یا ایها الناطق باسمی و القائم علی خدمة امری اسمع ندائی من شطر یجنی انه یقرّبک و یتهدیک الی النبی الأعظم الذی به انصعق الوجود و اندکت الجبال و انفطرت سماء الأدیان اشکر الله بما وفقک فی السجن علی ذکره و ثنائه و اظهر ما کان مستوراً عن الأبصار یا ابن ابهر صدهزار حمد مقصود عالم را که باسم اعظم ابواب افتدء امم را گشود باسمش خوف را باطمینان و بعد را بقرب و ظلمت را بنور تبدیل فرمود اوست امری که ضوضای معتدین منعش نماید و شبهات مریبین او را از مشیتش باز ندارد لعمر الله این عبد و اولیایش خود را در بحر سرور مشاهده مینمایند چه که در ضوضای این ایام از هر حزبی حزنی بر حضرت سلطان وارد جز این حزب که پاس حرمت و ادب را از دست ندادند فی الحقیقه از برای ادب نزد ربّ مقامیست عظیم طوبی از برای نفسی که بآن فائز گشت و محروم نماند این مظلوم در لیالی و ایام متحیر و متفکر آیا چه شده که علمای انام و فقهای ایام و حکمای عصر عمل نمودند آنچه را که سبب حزن موحدین و منقطعین گشت یا ابن ابهر مقام ظهور شکر و بروز حمد این ایامست که این حزب بعد از فضل الهی و عنایت ربّانی و رحمت مسبوقة رحمانی ترک ادبی از ایشان ظاهر نه مع آنکه مدّعیا در شب و روز بدسیسه و خدعه مشغول قل لک الحمد یا الهی بما حفظت حزبک بقدرتک و سلطانک مع اعدا و ظهور اشقیا از ایشان بر وجود مبارک سلطان چیزی وارد نه اگر



ORIGINAL

در این ایام این فقره انکار شود بعد البتّه آثارش و ظهوراتش عالم را احاطه نماید و کل اقرار نمایند بظهور فضل و رحمت الهی آنّه لا یضیع اجر العالمین آن جناب و سایر اولیا مجدّد عباد را بصبر و اصطبار دعوت نمایند و از اعمال بعضی مکدّر نشوند بافق امر ناظر باشند نه باقوال و اعمال عباد بر حضرت سلطان و امیر الأمراء اصل امر و حسن نیت این حزب مستور نه اگر نظر بحکمت از حضرت امری ظاهر شود باید بجبل صبر تمسّک جست این مظلوم از حقّ میطلبد این حزب را محفوظ دارد و حراست فرماید که مباد امری ظاهر شود که اعمال و اصطبار چهل ساله را بر باد دهد هیچ نعمتی و هیچ مائدهئی لذّتش بر لذّت صبر غلبه ننماید از این حزب آنچه ظاهر شود لوجه الله است و لحاظ کل بشر عنایت او متوجّه اوست موفّی اجر سائلین لا اله الا هو العليم الحکیم از حقّ بطلبید از برای حضرت سلطان و حضرت امیر الأمراء کشف فرماید تا بر نیت این مظلوم و آمالش آگاه شوند تالله اذاً یجدان انفسهما ساکتان علی فلک لا تحرّکها الأریاح و لا تضرّها الأمواج کذلک نطق المظلوم فضلاً من عنده علیک آنّه هو الفضال المشفق الکريم لازال مذکور بوده و هستی خذ العروة الوثقی باسم مولی الوری و قل

الهی الهی اسألك بمطلع آیاتک و مشرق بیناتک ان تکشف لعبادک ما کشف لنا بقدرتک و سلطانتک انک انت الذی باسمک نصبت رایة الاختیار امام وجوه الأبرار و الأشرار لا اله الا انت المقتدر علی ما تشاء بأمرک المبرم الحکیم